خبر

حضور امیدوارکننده شهرستانی‌ها در «تهران-مبارک»

دبیر نوزدهمین جشنواره نمایش عروسکی تهران - مبارک با اعلام ثبت‌نام نزدیک به ۱۰۰ اثر برای رقابت در جشنواره با گذشت دو هفته از انتشار فراخوان، از حضور امیدوارکننده گروه‌های شهرستانی خبر داد.

هادی حجازی‌فر با اشاره به این‌که از حدود ۱۰۰ اثر عروسکی که تاکنون برای حضور در این رویداد امسال ثبت‌نام کرده‌اند، بیش از نیمی از آثار مربوط به گروه‌های تئاتری از شهرستان‌های مختلف است، ابراز امیدواری کرد جشنواره امسال شاهد حضور باکیفیت‌تر و قدرتمندتری از گروه‌های بااستعداد و جوان در سراسر کشور باشد و فرصت دیده‌شدن را در اختیار این گروه‌ها قرار دهد. حجازی‌فر ادامه داد: پیش‌بینی می‌کردیم پس از چند سال رکود در فضای نمایش عروسکی به دلایلی مثل کرونا و ... ایجاد رونق دوباره در این حوزه با مشکلاتی همراه باشد اما این میزان استقبال، ما را به داشتن جشنواره‌ای با روح تازه و پر از اتفاقات خوب امیدوار کرد.

دبیر جشنواره در پایان با اشاره به حضورش در تبریز و گفت‌وگو با فعالان نمایش عروسکی استان آذربایجان شرقی که هفته گذشته برگزار شد، افزود: قرار شد با حمایت‌های ستاد جشنواره و همراهی فعالان تئاتر عروسکی این استان، انجمن تخصصی نمایش عروسکی همزمان با افتتاح جشنواره تهران، در تبریز شروع به فعالیت کند. علاوه‌براین، تا زمان برگزاری جشنواره، سفر به استان‌های دیگر و گفت‌وگو با فعالان نمایش عروسکی در مراکز استان‌ها ادامه خواهد داشت. / جام جم

خبر روز

برای مرداد ۱۴۰۱

منابع «کتابخوان ماه» معرفی شد

منابع طرح کتابخوان ماه، ویژه مرداد ۱۴۰۱ با ارائه کتاب‌های «در کنار او فقط تو بوده‌ای»، «از کوفه تا کربلا: ده مجلس برای دهه اول محرم»، «دخترها بابایی‌اند» و «همه سیزده سالگی‌ام: خاطرات اسیر آزاد شده ایرانی مهدی طحانیان» معرفی شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، این منابع با هدف تبیین منویات رهبر معظم انقلاب برای ارتقای فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در جامعه، دسترسی همگانی به کتاب، لزوم معرفی کتاب‌های مفید برای پرورش فکری آحاد مختلف مردم جامعه و همچنین ارتقای فضایل اخلاقی و فرهنگ عمومی از طریق مطالعه کتاب‌های مفید و فاخر، در سطح کشور معرفی شد. کتاب در کنار او فقط تو بوده‌ای را فریبا کلهر نوشته و دفتر نشر فرهنگ اسلامی آن را منتشر کرده‌است. این کتاب روایتی است متمایز از آنچه بارها و بارها در مورد واقعه کربلا و عاشورا خوانده و شنیده‌ایم. داستان سرزمین کربلا این بار از زبان شیطان و دیدگاه متفاوتش نقل می‌شود. این‌که او چطور توانست در حنجره ۳۰ هزار نفر بنشیند تا بتواند با صدایی بلندتر دل یاران امام را بلرزاند و بترساند تا خودشان را تسلیم کنند. او در این روایت قابلیت و استعداد چشمانش، زبان خزنده و رونده، قدرت نفوذش در دل‌ها و گوش‌های تیزش را به رخ می‌کشد. این اثر با استفاده از منابع موثقی چون لهوف، فرهنگ عاشورا، تأملی در نهضت عاشورا، همگام با حسین علیه‌السلام، تاریخ جلفا و حماسه حسینی نوشته شده‌است.

کتاب از کوفه تا کربلا: ده مجلس برای دهه اول محرم را حامد محقق نوشته‌است و در ۱۰ مجلس، وقایع هرشب ماه محرم را به سادگی تمام برای نوجوانان و کودکان بیان می‌کند. این کتاب روضه‌ای خودخوان است و برای کسانی که می‌خواهند خودشان روی منبر بروند. سخنرانی کنند و بدون بزرگ‌ترها مجلس روضه‌ای برپا کنند، بسیار مفید و کاربردی است. کتاب دخترها بابایی‌اند، زندگی داستانی شهید مدافع حرم جواد محمدی است که نویسنده آن بهزاد دانشگر است. این کتاب شرحی است از روابط پرمهر و عاطفه جواد محمدی و خانواده‌اش؛ بهانه‌های دختر کوچک او که هنگام خواب برایش قصه می‌گفت، وصف حال پدر و مادری که برای عاقبت بخیر شدنش به خدا توکل کردند، همسرش که با غروب آفتاب، نور عشق و امید در دلش کمرنگ می‌شد، اقوام و دوستانی که هریک روایتی دلنشین از خوبی‌ها، محبت‌ها و توجهات او دارند.

کتاب همه سیزده سالگی‌ام روایت خاطرات آزاده مهدی طحانیان است که گلستان جعفریان آن را نوشته‌است. مهدی طحانیان، نوجوان ۱۳ ساله‌ای است که از شهرستان اردستان به شهر اصفهان می‌رود و از آنجا به جبهه‌های جنوب اعزام می‌شود. بخش ابتدایی کتاب بیانگر مشکلات و دردسرهای طحانیان برای اعزام به جبهه است. بخش بعدی نیز نمایی از مشکلات رزمنده نوجوان که اکنون در اسارت نیروهای بعثی است به نمایش درآمده؛ از کشاکش مصاحبه او در مقابل رسانه‌های غربی با موضوع اعزام اجباری‌اش توسط دولت ایران به جبهه‌ها. این بخش از کتاب ماجرای مصاحبه نکردنش با خبرنگار بی‌حجاب را شرح می‌دهد، آنجا که گفته بود در دین من آمده‌است که مرد مسلمان نمی‌تواند با زن بی‌حجاب صحبت کند.

گفت‌وگو

ایسنا

گفت‌وگو با نادیا فرجی

نویسنده، کارگردان و بازیگر نمایش «یه روز دیگه»

مرگ‌اندیشی به جای مرگ‌هراسی

رضا آشفته
منتقد و روزنامه‌نگار

نمایش «یه روز دیگه» به کارگردانی و بازیگری نادیا فرجی، سومین اثری است که او اجرا می‌کند و نخست در تالار- کارگاه نمایشی و سپس سایه تئاتر شهر روی صحنه رفته است. نخستین نمایشی که او روی صحنه برد، نمایش «خواب آرام» بود که متن آن را هم خودش نوشته بود. این نمایش سال ۹۵ در خانه نمایش اجرا شد. دومین نمایش این کارگردان، «زخم زیبای زمانه» نام داشت که در سالن مهر حوزه هنری سال ۹۸ اجرا شد، نمایشی که نوشته علی اصغری بود. او حالا با «یه روز دیگه» صحنه تئاتر را دوباره در اختیار گرفته است. در این گفت‌وگو از این نمایش و چگونگی اجرای آن از نگاه کارگردان گفته‌ایم.

انگیزه نوشتن «یه روز دیگه» چگونه ایجاد شد؟

زمانی که در مقطع لیسانس دانشگاه در حال تحصیل بودم حدودا ۱۵ دقیقه از نمایشنامه «مرگ در می‌زند» وودی آلن را به عنوان کار کلاسی‌ام ارائه دادم و از همان سال‌ها به این نمایشنامه و باقی آثار وودی آلن علاقه‌مند شدم. این مسأله باعث شد جرقه‌ای در ذهنم شکل بگیرد که در آینده این نمایش را اجرا کنم. هدف من خود نمایشنامه بود، نه اقتباس یا برداشتی آزاد از این نمایش.

سه سال قبل، پیش از شروع کرونا تصمیم گرفتم یک نمایشنامه را کار کنم، متن‌های زیادی را خواندم ولی هیچ کدام مرا از لحاظ ذهنی درگیر نکرد که در من برای کارکردن ایجاد انگیزه کند. تصمیم گرفتم نمایشنامه مرگ در می‌زند وودی آلن را به شکل اقتباسی و ایرانیزه روی کاغذ بیاورم تا در فرصتی مناسب کار را روی صحنه ببرم که ماحصل آن شد نمایش «یه روز دیگه».

یک نظر وجود دارد دال بر این‌که اگر بازیگری همزمان بخواهد خودش را کارگردانی کند، اثرش یا درنمی‌آید یا چندان جالب نمی‌شود. شما چرا تن به این شرایط ناممکن و دشوار دادید؟

بله فرمایش شما کاملا بجاست. چون بازیگری مقوله‌ای است که تماما باید در اختیار نقشت قرار بگیری و ششدانگ وجودت را در کار بگذاری تا بتوانی به بهترین شکل نقش را خلق کنی و اگر قرار باشد انرژی ات را میان بازیگری و کارگردانی تقسیم کنی قطعا تمرکزی که برای خلق یک کاراکتر به عنوان بازیگر و در نهایت مدیریت و طراحی و کارگردانی را که قرار است از بیرون به عنوان کارگردان داشته باشی، نخواهی داشت، اما با توجه به این‌که این متن را سه سال قبل برای خودم و الهه پورجمشید نوشته بودم و دقیقا می‌دانستم قرار است چه اتفاقی در رابطه بازیگری بین من و او و خلق شخصیت‌های نمایشی بیفتد، تا حدودی کار را برایم راحت‌تر کرد. به خیلی از میزانسن‌ها و تصویرسازی‌ها هنگام نگارش متن رسیده بودم مثل استفاده ابزاری و خلق تصویرسازی از تخمه که در کار مشاهده کردید. از همان ابتدای نوشتن نمایشنامه به این عناصر رسیده بودم و حتی جایش و طرز استفاده این ابزار در کارم را لحاظ کرده بودم. زیرا هنگام نوشتن در ذهنم کارگردانی و تصویرسازی انجام می‌دادم. همان طور که در دو کار قبلی‌ام این امکان برایم فراهم شد که با خانم پورجمشید پارتنر باشم، این تجربه باعث شد که راحت‌تر برخورد داشته باشم با خلق شخصیت حمیرا به عنوان بازیگر و کارگردانی اثر.

چقدر حضور الهه پورجمشید در زمینه طنزشدن کار تاثیرگذار بوده است؟

قطعا که حضور خانم پورجمشید از همان ابتدا با توجه به این‌که من با جنس بازیگری‌شان آشنا بودم در نوشتن شوخی و طنزهای نمایشنامه تاثیرگذار بوده حتی یکسری از شوخی‌هایی که مربوط به فضای امروز و اتفاقات روز می‌شود، ما در طول تمرین به آنها رسیدیم که تاثیر خیلی زیادی در به وجودآمدن لحظه‌های کمدی و طنز اثر نمایشی داشته است.

خودتان را در جریان بازی چگونه هدایت و کنترل می‌کردید؟

من ذاتا بازیگر هستم، درسش را خوانده‌ام و سال‌ها فعالیت حرفه‌ای‌ام در این زمینه بوده ولی از زمانی که نوشتن و کارگردانی را شروع کردم هنوز در مرحله آزمون و خطا و در حال یادگیری هستم. با این‌که فقط بازیگر هستم اما نوشتن و کارگردانی را مشق می‌کنم. زمانی که نوشتن را شروع کردم تمام فکرم پیش‌بردن نمایشنامه در چارچوب و ساختار درست نوشتن بود، چون من ذاتا بازیگر هستم و همیشه خود را در مقام بازیگر دیده‌ام و تلاشم در این سال‌ها تجربه‌اندوزی بوده در نوشتن خود را جای شخصیت‌های نمایش می‌گذارم و از اندک تجربه و آموخته‌هایم در بازیگری استفاده می‌کنم در خلق شخصیت و کاراکتر نمایش و سعی می‌کنم تا اتفاق‌ها را در ارتباط با شخصیت‌های نمایش رقم بزنم و قطعا می‌دانم خط داستان و قصه‌ای که می‌خواهم چیست، خواسته‌ام را در قالب و وزن بازیگری جلو می‌برم. این کار شاید اتفاق غلطی در نوشتن باشد ولی من بر اساس تجربیات شخصی که داشتم انجام دادم و در نوشتن به آن رسیده‌ام. از ابتدا در اثر نمایشنامه‌ای و نوشتاری من به عنوان بازیگر کار را جلو می‌برم زمانی که می‌خواهم به عنوان بازیگر در کار حضور داشته باشم و کار را روی صحنه ببرم برایم راحت‌تر می‌شود رسیدن به نقش و نحوه برخورد کاراکتر با شخصیت‌های دیگر نمایش و اتفاق‌های نمایشی و تحلیل شخصیت. از همان ابتدا روی کاغذ برایم تمام این اتفاقات می‌افتد و برایم خیلی راحت است برخورد با اثری که خودم در آن بازی هم می‌کنم.

در شیوه اجرایی‌تان چقدر به هراس از مرگ بها داده‌اید؟

چه در زمانی که در مقام نویسنده متن را می‌نوشتم و چه زمانی که کار را کارگردانی کردم که هرکسی می‌تواند نگاه خاص و منحصر به فرد خودش را نسبت به هر متنی داشته باشد در شیوه اجرایی. من در هر دو مرحله، زمانی که داشتم کار را جلو می‌بردم به هیچ عنوان نخواستم هراس از مرگ را در اثر نمایشی به تصویر بکشم، بر عکس من هراس از زندگی را در این نمایش نشان می‌دهم، ترس از نوع زندگی که آدم‌ها برای خودشان انتخاب می‌کنند و سرنوشتی که برای خود رقم می‌زنند. اگر دقت کنید غیر از ابتدای نمایش که در موقعیت نمایشی، هر فرد در خانه یا محل کار با چنین موقعیتی روبه‌رو شود که کسی از جایی مثل شومینه یا هر جایی غیر از در ورودی وارد خانه‌اش شود ترسی در فرد ایجاد می‌شود فارغ از این‌که ما بدانیم شخص مقابل دزد است یا شعبده‌باز یا دوستی که دارد با او شوخی می‌کند، کاراکتری مثل مرگ در هر موقعیتی که قرار بگیرد آن لحظه نمایشی برایش یک ترس را به وجود می‌آورد. در نمایش من هم غیر از پنج دقیقه اول که حمیرا سعی دارد از آن کاراکتری که یکباره وارد خانه‌اش شده فرار کند و بعد از آن با جبر به محیط نمایشی برمی‌گردد دیگر در ادامه ترسی از روبه رو شدن با مرگ را ندارد. حتی زمانی که به هویت واقعی کاراکتر که مرگ است و آمده جانش را بگیرد و او را با خودش ببرد پی می‌برد حرفش این است که ترسی از مرگ ندارم و مرگم را می‌پذیرم. او فقط یک روز زمان برای سرو سامان دادن به اوضاع زندگی‌اش درخواست می‌دهد، برای آدم‌هایی که در زندگی حمیرا هستند و او را برای رفتن دچار شک و ترس و دودلی می‌کنند و گرنه خود حمیرا دنبال این رفتن و رهایی است و ترسی از مردن ندارد.

در این نمایش می‌خواهم بگویم که مخاطب عزیز! به هر صورتی که مرگ را نگاه می‌کنی به خودت مربوط است فقط به یک چیز دقت داشته باش: هرچیزی که مد نظرت است انجام بده و پیش برو

طراحی به ظاهر فانتزی است و همخوان با ذهنیت مرگ؛ چقدر برایتان دوری از زندگی یا باور آن ملاک شده است؟

من زمانی که متن را می‌نوشتم دقیقا می‌دانستم که چه می‌خواهم و اتفاقا تنها چیزی که طبق تصورم پیش نرفت طراحی صحنه بود. البته مد نظر شما در سوال طراحی در کل اثر است ولی من در مورد طراحی صحنه توضیح مختصری بدهم، زمانی که من این نمایشنامه را می‌نوشتم کاملا طراحی رئال در نظر داشتم، یعنی یا هیچ طراحی نباشد و با یک صحنه خالی که فقط چند آکسسوار در شیوه ی طراحی ست پیش ببرم و یا طراحی کاملا رئال برایش در نظر میگیرم مثل طراحی رئال از یک آپارتمان یا سوئیتی کوچک که مربوط به سکونت حمیرا می‌شود. اما زمانی که در تمرین و اجرا قرار گرفتیم به پیشنهاد طراح صحنه آقای علیرضا خضری که به نظرم خیلی طراحی درستی را انجام داد که به این طراحی که اکنون در اجرا دیدید رسیدیم، کمی فانتزی ست و از فضای رئال دور است که خیلی کاربردی در جهت شیوه ی اجرایی من انجام شد. همانطور که نمایش را دیدید و با فضای کار آشنا هستید یک فضای مجزا از خانه ای که حمیرا در آن هست داریم، فضای فرار و تعقیب و گریز مرگ و حمیرا که طراح کار آن را به درستی و کاربردی در جهت پیشبرد هدفم از نمایش به اجرا درآورد.

مخاطب با مرگ‌هراسی و مرگ‌اندیشی چه میانه‌ای دارد؟

مرگ چیزی است که ما به عنوان آدم‌های واقعی در زندگی بارها با آن روبه‌رو شدیم و به آن فکر کردیم. مرگ‌هراسی و مرگ‌اندیشی چیزی است که هر روزه به صورت خودآگاه و ناخودآگاه درگیرش هستیم. نمایش چیزی نیست جز بازسازی اتفاق‌های واقعی روی صحنه به شیوه‌های اجرایی مختلف در نوشتار و اجرا. چون چیزی است که وجود دارد و جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی است. البته در اثر نمایشی من مرگ‌اندیشی شکل گرفته نه مرگ‌هراسی. حتی در طول نمایش تکرار می‌کنم که نمی‌خواهم مرگ‌هراسی را نشان دهم بلکه برعکس هدفم ایجاد یک اندیشه بوده که نمی‌دانم تا چه حد موفق عمل کرده‌ام. به جای این‌که از مرگ بترسیم و به خاطرش دست به یک‌سری کارها بزنیم یا نه چون نگاهمان به مقوله مرگ از کودکی و توسط خانواده و محیطی است که رشد می‌کنیم و تفکری که به عنوان انسان شکل می‌گیرد. نگاه‌های اعتقادی، مذهبی که از همان دوران اندیشه‌مان نسبت به مرگ رقم می‌خورد. نگاه هرکدام از ما به مرگ متفاوت است؛ درست مثل نگاهمان به مقوله زندگی. اندیشه ما که مرگ چیست و چه زمانی با آن مواجه می‌شویم برای هرشخص متفاوت رقم می‌خورد. شاید یک نفر مرگ را پایان بداند و رهایی و دیگری مرگ را آغاز بداند و تولد و دیگری عذاب.

در این نمایش می‌خواهم بگویم که مخاطب عزیز! به هر صورتی که مرگ را نگاه می‌کنی به خودت مربوط است فقط به یک چیز دقت داشته باش، مدل زندگی و لذت‌هایی که از زندگی می‌توانی ببری و به خاطر خیلی چیزها از خودت دریغ کردی دیگر وقتی نیست. هرچیزی که مد نظرت است انجام بده و پیش برو. چون دیر یا زود این اتفاق رقم می‌خورد. من بیشتر در این نمایش خواستم ترس از زندگی را به تصویر بکشم با توجه به شرایط جهان و درگیری‌های اقتصادی و اتفاقاتی که هر روزه شاهدش هستیم و به نوعی همه تجربه‌اش می‌کنیم لذت‌بردن از خوشی‌های اندک زندگی به نحو احسن و مدیریت صحیح دغدغه‌هایمان و مسیر زندگی را جوری رقم بزنیم که با همین شرایط کم معنای واقعی خوشی در زندگی را درک کنیم، سخت است ولی محال نیست.

برای خواندن متن کامل کیوآرکد را اسکن کنید

یاد

پنجاهمین سالگرد درگذشت واقف بزرگ ایران

امروز پنجاهمین سالگرد درگذشت حاج‌حسین آقاملک، بنیان‌گذار و واقف کتابخانه و موزه ملی ملک است و به همین مناسبت فردا آیینی از ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه تا ساعت ۱۹ در ساختمان این موقوفه به نشانی میدان مشق برگزار می‌شود. کتابخانه و موزه ملی ملک، نخستین موزه وقفی - خصوصی ایران و یکی از شش کتابخانه بزرگ کشور در حوزه نسخه‌های خطی با هزاران جلد کتاب و نسخه خطی و آثار تاریخی است. حاج‌حسین آقاملک، نیکوکار و فرهنگ‌دوست بزرگ تاریخ معاصر ایران، این گنجینه تاریخی را به همراه منظومه‌ای از موقوفات اقتصادی وقف آستان قدس کرده است. عکسی که مشاهده می‌کنیم، تندیسی از این واقف بزرگ است که در موزه ملی ملک قرار دارد.

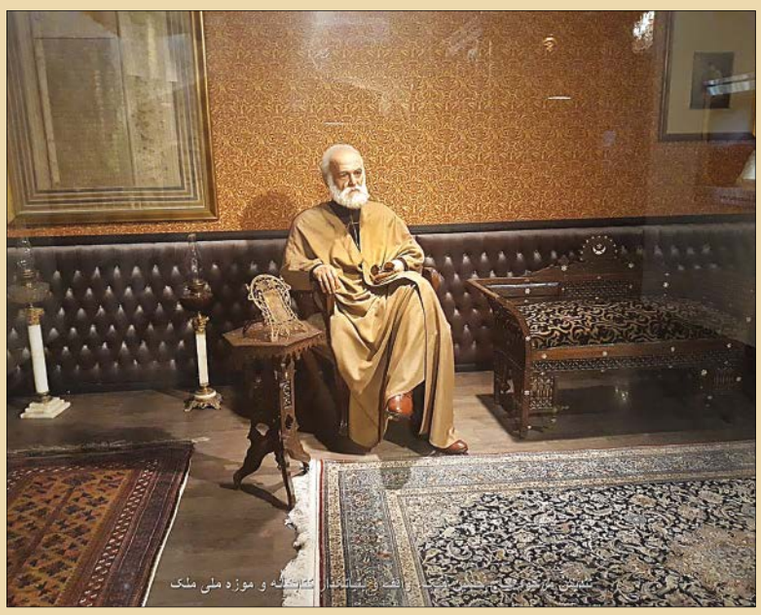

تئاتر

«الاهگان» نمایشنامه‌خوانی می‌شود

نمایشنامه «الاهگان» نوشته نستور کابایرو نویسنده ونزوئلایی با ترجمه شهاب نادری مقدم و کارگردانی بهرام سروری نژاد فردا ساعت ۱۹ نمایشنامه‌خوانی می‌شود. بهرام سروری نژاد، کارگردان و بازیگر، درباره اجرای نمایشنامه‌خوانی الاهگان گفت: این نمایشنامه‌خوانی در برنامه ریپرتوار نمایشنامه‌خوانی خانه هنر گویه برگزار می‌شود. نمایشنامه الاهگان نوشته نستور کابایرو، دیداری خیالی و سوررئالیستی بین دو شخصیت زن برجسته تاریخ ادبیات و هنر قرن بیستم است؛ فریدا کالو، نقاش مکزیکی و سیلویا پلات، شاعر آمریکایی. وی ادامه داد: هنرمندان تجسمی و اهل ادبیات ایران با این دو شخصیت به‌خوبی آشنا هستند. کالو در میان هنرمندان ایرانی به دلیل فضاهای سوررئالیستی شهرت دارد و سیلویا پلات نیز اشعاری سرشار از احساسات و صداقت داشت که بیانگر زندگی پر از رنج و افسردگی او بود. درخوانش نمایشنامه الاهگان مرضیه صدرایی و گلچهره زندنقش‌خوانی می‌کنند و سعید اسلام‌زاده نیز راوی نمایشنامه است. / جام جم

چهره

امیرحسین میرزائیان درگذشت

امیرحسین میرزائیان، مترجم ادبیات داستانی به علت سکته مغزی در ۳۷ سالگی درگذشت.

نشر نفیر با اعلام این خبر نوشته است: این مترجم ادبیات داستانی و کتاب‌های روان‌شناسی، روز شنبه از دنیا رفته است. امیرحسین میرزائیان متولد خرداد سال ۱۳۶۴، مترجم و مدرس زبان انگلیسی بود. ۴۱ عنوان از آثار او در کتابخانه ملی فهرست‌نویسی شده و ۲۷ عنوان کتاب دیگر او نیز در زمینه‌های روان‌شناسی، کودک و نوجوان و ادبیات داستانی به چاپ رسیده است. از ترجمه‌های میرزائیان می‌توان به کتاب‌های «۲۳ راه برای غلبه بر تنبلی»، «کتاب فرهنگ‌نامه خواب و رویا به روش یونگ»، «شهامت»، «بخشندگی»، «پایان ترس و آغاز اعتمادبه‌نفس»، «رودخانه تغییر: چگونه سختی‌ها می‌توانند به رشد ما کمک کنند؟»، «زندگی مدفون»، «اودیسه»، «دیو و دلبر»، «گربه کلاه‌به‌سر»، «قصه‌های پریان»، «ملکه برفی»، «آنچه مردان درباره بارداری نمی‌دانند»، «ایزد بانوان»، «هفده‌خان عشق: فراز و نشیب‌های دلدادگی در نامه‌های مشاهیر»، «رئالیست‌ها در غرقاب عشق»، «کتاب کوچک شادمانی» و «اولین بار برای پدرها» اشاره کرد. / ایسنا